



شیدا

صدقه جاریه

دختر

باغبان لاله ها

گنج سخن

راه و بی راه

مسیر عشق

سلمان گونه باش

به بهانه ی
بیستم مهر ماه

هرچه ریشه عمیق تر
بدنه قوی تر

معرفی کتاب

تعلیم باید طور باشد که ذهن را
بسازد، مغز را فعال کند و در درجه
اول، شوق به دانستن
را در دل متعلم ایجاد نماید.

مقام معظم رهبر



سخن سردبیر



به نام یگانه خالق هستی

السلام علیک یا ميثاق الله الذی اخذ و وکده....

با سلام و احترام فراوان خدمت شما خوانندگان عزیز و تسلیت اربعین حسینی پنجمین شماره از نشریه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی مدار را تقدیم نگاه شما بزرگواران میکنیم.

انتقادات و پیشنهادات شما بزرگواران باعث رشد و شکوفایی هرچه بیشتر نشریه میشود، از شما ارجمندان خواهشمندیم هر گونه نظرات و انتقادات خود را به آدرس

@madar_nashrie

نشریه در پیام رسان های تلگرام و بله، ارسال فرمایید. صفحه نشریه مدار را در اینستاگرام دنبال کنید:

@madar_nashrie

مدیر مسئول : فاطمه ظهیری

سردبیر : الهام اسدی

طراح و صفحه آرا : مطهره شهرکی

هیئت تحریریه : مطهره سرگزی

وحیده قاسمی

الهه خلیلی

زهره مرادی شهرستانک

مهدیه نخعی

فاطمه ابراهیمی

عاطفه عباسی قرائی

شیدا

شده بودیم یه گروه پنج نفره (زهرا،اسما، نازنین،سارا)بعدازخوردن ناهارمون به اتاق برگشتیم قرارشديه استراحت۳۰تا۴۵ دقیقه ای داشته باشیم وبعدش آماده بشیم بریم بیرونیکم توی خیابونا قدم زدیم و بعد چند دقیقه به یک بستنی فروشی رسیدیم کلی عکس گرفتیم واسه شام هم پیتزا خریدیم فقط تا ساعت۷میتونستیم بیرون ازخوابگاه بمونیم پس بدون اینکه وقت تلف کنیم بعدخوردن شام به خوابگاه برگشتیم برای استراحت رفتم سمت تختم ،نور وسط محوطه، کمی اتاق رو روشن کرده بود از پنجره کنار تختم زل زدم به آسمون هوا گرفته بود و دیدن ماه سخت بود یاد مامان و بابا افتادم دلم براشون تنگ شده بود ، دلم واسه خونه،بوی غذای مامان،صدای آواز خوندن بابا توی حیاط موقع آب دادن به باغچه تنگ شده بود ولی باید عادت میکردم البته اینجا رو هم با تموم خوبیا و بدیاش دوست دارم، درسته که امکانات کمی داره ولی جو و محیطش سرشارازحس مثبته کمی به تغییر نیاز داره ولی با این حال پر بود از حس وطن دوستی،غیرت، حضور شهدا و خیلی چیزای دیگه من هنوز یه تازه واردم و مطمئنم با گذشت زمان کلی چیز خوب میتونم یادبگیرم نفهمیدم کی خوابم برد صبح باصدای مسئول خوابگاه که توی راهرو داشت نکاتی رو به بچه ها اعلام میکرد بیدارشدم تا عصر کلاس نداشتم ازجام بلندشدم بعدشستن صورتم سراغ گوشیم رفتم وشماره مامانوگرفتم.. آخرهفته میخاستم برم خاش کلی هیجان داشتم باید یه چیزایی میخریدم به همراه زهرا بعد از پرکردن دفترچه تردمومون توسط مسئول خوابگاه به بازار رفتیم...

وحیده قاسمی

صداقه

روز ها یک به یک میگذرند و به یک چشم بهم زدنی سال به پایان می رسد و سالی نو از راه میرسد . چقدر زود میگذرد و ما غافل از فرصت هایی که به راحتی از دست میدهیم، یا فرصت هایی که میتوانیم به شخص نیازمندی کمک کنیم گاهی اوقات در مشغله ی زندگی فراموش می کنیم که افرادی هستند که بسیار نیازمندند و منتظر کمک هستند .امروز میخوام درمورد یکی از اعمال پسندیده بگویم، و آن وقف است.اگر میخواهید بدانید وقف چیست و چطور بوجود امده این متن را دنبال کنید .اهمیت این مسئله انقدر زیاد است که تقویم یک روز را به نام آن اختصاص داده است . 27ماه صفر، که مصادف شده با 24 مهر ماه 1399 شمسی، در تقویم به اسم روز وقف نام گذاری شده است. روزی که دلیل انتخاب آن، ریشه در تاریخ صدر اسلام دارد. هنگامی که مخیریق یهودی بدون آن که مسلمان شود ، تمام اموالش را به پیامبر اکرم (ص) هبه کرد و پیامبر اکرم (ص) بعد از کشته شدن مخیریق، اموال او را در قالب صدقهٔ جاریه در خدمت نیازمندان قرار داد، هستهٔ اولیه «وقف اسلامی» تشکیل شد و پیامبر اکرم(ص) در تاریخ اسلام به عنوان اولین واقف به شمار آمد.

حضرت علی(ع) نیز در وقفنامهٔ خود که حاوی نکات بسیار مهمی‌است؛(از آن جمله اینکه این اموال نباید به کسی بخشیده شود و یا به ارث برده شود و یا فروخته شود و همه این امور در موقوفات ممنوع است)، پایه گذار شیوه وقفنامه نویسی است



این وقفنامه خطاب به امام حسن مجتبی(ع) بوده و امام (ع)، ایشان را متولی موقوفات خود قرار داده است.

با توجه به این دو نکته مهم، و این که روز بیست و هشتم ماه صفر، سالگرد شهادت نبی اکرم(ص) و امام حسن مجتبی (ع) است، و نقش مهم این دو بزرگوار در تبیین جایگاه وقف، روز قبل از شهادت ایشان، یعنی 27 صفر به عنوان روز وقف انتخاب شد. بسیاری از افراد هستند که دغدغه شان کمک به نیازمندان است و خوش به سعادتشان که ثوابی بی نظیر را از آن خود میکنند ،مثلا افرادی که توان مالی بالایی دارند یک مکانی را وقف میکنند و ان را به محیطی برای همه عموم اختصاص میدهند تا بتوانند از ان استفاده کنند . ثواب این کار تا وقتی که مردم از ان استفاده میکنند برای شخص نوشته میشود حتی اگر در قید حیات نباشد و این اهمیت این مسئله را نشان می دهد .به امید کمک و نیکوکاری های بی شمار تا روزی که دیگر هیچ نیازمندی در دنیا وجود نداشته باشد ..

زهرا مرادی شهرستانک

جاریه

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده اند [که] برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود (هود11)

یگانگی است از آن خدا و می گویم / پس از خدای یگانه یگانه ای مادر
مادر مظهر بی بدیل عشق و ایثار است اوست که از تمام وجود خویش مایه می گذارد ،رنج ماه ها بارداری و تولد نوزاد را با عشق و شوق دیدار فرزند خویش تحمل می کند، سال های سال ایثارگرانه با تمام وجودش فرزند را می پرورد تا بزرگ و برومند شود .

هر زمان صدایش بزنی بی درنگ پاسخ می دهد و همه ی تلاشش را می کند تا احتیاج فرزند را برآورده سازد و حتی درمقابل، تنها خواسته اش خوشحالی و آسودگی فرزند است هیچ چیز برای خودش نمیخواهد .

همه ی مادران سرزمینما؛ مهربان و ایثارگر هستند اما هستند مادرانی که حماسه آفرین عظیم ترین مجاهدت ها و فداکاری ها می شوند.آنان که سال ها عمرشان را صرف کرده و فرزندانشان بالنده و بزرگ مرد شده اند، فرزندانی در اوج جوانی و شادابی و سرشار از ذوق و امید به ادامه ی زندگی . مادر که به قد وبالایش می نگرد چشم هایش از شوق برق میزند . هزار آرزو برایش دارد؛ درس بخواند ، شغل آبرومندی داشته باشد و پیشرفت کند؛ دختری شایسته را برایش نشان کرده و زیر سر دارد ؛ می خواهد برایش برود خواستگاری اما... خطر احساس می شود ؛ اعتقادات،آبرو و مرزهایمان در معرض هجوم

قرار دارد باید رفت، باید کاری کرد مادر است فرزندش را از جان شیرین بیشتر دوست دارد اما استقامت پیشه می کند ؛ با اینکه لحظه ای طاقت دوری اش را ندارد پا روی دلش می گذارد ؛ به جوانش اذن رفتن می دهد، خودش راهی اش می کند و دعای خیرش را توشه ی راه او می سازد.روز های طولانی اضطراب و نگرانی و انتظار که آیا سالم است ؟آیا باز می گردد؟اما...بسا مادران که خبر شهادت جگر گوشه را شنیده اند و باز بسا مادران که سال ها انتظار رسیدن یک خبر، چند تکه استخوان را برده اند و تنها آرزویشان رفتن بر سر مزار فرزند شهیدشان است قلبشان مملو از درد و غم است اما خم به آبرو نمی آورند، پشیمان نیستند چرا که با خدا معامله کرده اند و عزیزشان را در راه خدا تقدیم کرده اند.

می توان گفت ،کارشان حتی از فرزند مجاهدشان نیز سخت تر است چراکه او در میدان جهاد و میان معرکه قرار دارد و با شهادتش به فوز عظیم می رسد اما مادران در بی خبری و انتظار و دلوایی و پس از شهادت با غم فراقی همیشگی دست و پنجه نرم می کنند.تاریخ اسلام و وطن عزیز ما کم از این فداکاری ها به خود ندیده ؛گوشه گوشه ی سرزمین مان پر است از این قهرمانان بی نشان مسلمان وغیر مسلمان، مادرانی نظیر ننه مراد؛ خودش اینجاست، زابل، میدان بسیج، خیابان هیرمند ، اما دلش اینجا نیست، جا مانده آن طرف یک دیوار بلند بین ایران و افغانستان که فاصله انداخته بین او و پسرش. شهید مراد بدیع دهقان پسری که 27 مهر 1370 به سوی آسمان سفر کرد . ننه مراد فقط ماهی

لاله ها

لاله ها

یکبار اگر گرد و خاک های همیشگی زابل اجازه دهد، اگر وسیله ی نقلیه ای پیدا شود، اگر اجازه نامه ی عبور از مرز داشته باشد می تواند بر سر مزار مراد برود و اما مادر دل سوخته ی شهید ارامنه ی اصفهانی که پس از سال ها انتظار گمشده ی خویش را کیلومتر ها دورتر از اصفهان در دانشگاه آزاد زاهدان یافته؛ که در سال 1392 درگمنامی بر دستان قدر دان مردمان زاهدان تشیع و به خاک سپرده شد؛ گرچه گمنام بود اما تمام تشیع کنندگان و در تمام این سال ها اهالی دانشگاه آزاد همه خواهر، برادر ،پدر و مادر او بودند . اما بالاخره انتظار مادر به سر رسید و در29 شهریور 1399 پس از دو سال آزمایش ژنتیک، هویت این شهید مشخص شد ؛شهید هراچ هاکوپیان! پیشکش به همه ی مادران قهرمان شهدا، رزمندگان و مدافعان

آلا طاهری

دختر

امروز میگویم برایت وصف دختر را
طفلی که دارد با خودش ،سیمای کوثر را
آن دختری را که صدای گریه های او زانو در آورده است خیل قوم کافر را
این گریه هایش نیست هرگز معنی ضعفش
گریه!بیابان! برده دختر ارث مادر را
گفتند دختر را کنید ارام با هدیه
هیئات گر آورده باشد بهر او سر را

میگیرد او سر را میان دست های کوچک خویش
با بوسه اش کامل کند لطف مکرر را
>>بابا نبودی که ببینی عمه ام غم داشت
بهر دفاع از خوشتن،عباس خود کم داشت
بابا نبودی که ببینی کوچه و سیلی
این راه هر یک لحظه اش،یک عمر ماتم داشت
بابا نبودی که ببینی من کتک خوردم
اه از دمی که دختری،بابای خود کم داشت
بابا کسی از گوش من آویز من را برد
آتش میان خیمه گه هر لحظه پرچم داشت
بابا،اگر پیدا کنم آویزه گوش خویش
من میخرم بهر تو آن خنصر که خاتم داشت<<
او گفت از دل راز هایش را برای سر
آنگه ببست آرام آن یک جفت گوهر را
زینب چو نشنیدش صدایی گفت با ناله ای سوزناک
آوخ که بابا برد نزدخویش دختر را...

الهه خلیلی



خنصر(انگشتر)

راهنما

●سند ۲۰۳۰ یکی از پروژه های سازمان ملل به منظور جهانی سازی ملت ها و یکسان سازی فرهنگ ها تحت عنوان توسعه ی پایدار است که لازمه ی آن اقدام عملی همه ی کشور ها برا تحقق حکومت یکپارچه می باشد.این سند هفده هدف اصلی دارد و هدف چهارم آن به مسائل آموزش و پرورش اختصاص یافته است.

سند تحول بنیادین نیز یکی از اسناد بالادستی ما در امر آموزش و پرورش است که چشم انداز هایی در افق بیست ساله را برای تحول در آموزش و پرورش عرضه میکند.

مقایسه های فراوانی بین این دو سند صورت گرفته است اما به طور قطع نمیتوان آنان را مشابه یا متفاوت از یکدیگر دانست، هرچند که برخی تفاوت ها کاملا واضح است.به عنوان مثال ، سند تحول بنیادین ۶ ساخت تربیتی را ترسیم میکند که امر تعلیم و تربیت باید حول آنان صورت گیرد.

ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بر ساحت های پنجگانه دیگر اولویت دارد و باید از آن متاثر باشددر حالیکه سند ۲۰۳۰برگرفته از قران، و سخنان معصومین نیست و هیچ جای ان بحث عبادیات و اخلاقیات مطرح نشده و به اصطلاح در ان صرفا به آموزش توجه میکند نه به تربیت و پرورش.در مثالی دیگر، در سند ۲۰۳۰ تاکید بر خصوصی سازی آموزش و پرورش و

نظام های مردم نهاد است. اما در سند تحول به مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش اشاره دارد نه خصوصی سازی.نکته ی جالب توجه دیگر اینکه ،در سند ۲۰۳۰ به برابریجنسیتی ،حذف کلیشه های جنسیتی، ارائه آموزش های جنسی به کودکان و حذف برخی مفاهیم قرآنی و ارزشی از کتاب های درسی به بهانه ی ترویج صلح و نبود خشونت، اشاره شده است.اما در سند تحول بنیادین، عدالت جنسیتی مطرح است و گفته میشود باید امکانات آموزشی برای همه با توجه ویژگی های فطری شان فراهم شود.

زهرارمضانی

کتاب سنن

امام رضا علیه السلام:

« تَرَاوُرُوا تَحَابُّوا وَ تَصَافَحُوا وَ لَا تَحَاشَمُوا ».

به دیدن یکدیگر روید تا یکدیگر را دوست داشته باشید و دست یکدیگر را بفشارید و به هم خشم نگیرید.

امام حسن مجتبی علیه السلام:

امام حسن مجتبی(ع) فرمود: «لَقَضَاءُ حَاجَةٍ أَخ لِي فِي اللَّهِ أَحَبُّ مِنْ إِعْتِكَافِ شَهْرٍ؛ هر آینه برآوردن حاجت و رفع مشکل دوست و برادرم، از یک ماه اعتکاف، در مسجد، بهتر و محبوب تر است».1

کلمه الإمام الحسن(ع)، ص139

پیامبر اکرم صلوات الله علیه:

لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

هر چیزی اساس و پایه‌ای دارد و اساس اسلام، محبت ما اهل بیت است . کافی، ج ۲، ص ۴۵

فاطمه ابراهیمی

مکتب‌پرست

نزدیک اربعین که میشود...

دلم حال و هوای دیگری میگیرد در عالم نیز حال و هوای متفاوتی حس می شود... شورواشتیاق اربعین وصف نشدنی ست...

ای دل! خوب گوش کن صدای قدم ها را صدای سایش کفش ها بر سینه جاده‌ها در بیابان ها را...صدایی به مشام می‌رسد...کسی صدا می‌زند.! چه صدای زیبایی...چه صدای رسایی...تا به حال این صدا را هیچ گوشی به خود ندیده میزبان این صدا فقط دلهاست...گوش کن! کمی دقیق تر...کسی می‌گوید بیا!...مدتی ست که در راهی.. آفتاب سوختگی و گرمزدگی وتاول انگشتان پا ، هیچ کدام مانعی نمی شوند؛ و تو همچنان به راه ادامه می دهی صدای حسین زهرا ست که می طلبد زائران خویش را..مگر بالاتر از این هم وجود دارد؟!

هشتم صفر سال ۳۵ هجری، سالروز وفات بزرگ ترین یار ایرانی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم ، سلمان فارسی است، او همان کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، او را از اهل بیت خواند و فرمود:

سلمان مَنّا اهل البیت.

سلمان محمدی پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله، جزو معدود کسانی بود که از راه حق منحرف نشد و در شمار معتقدان به امامت حضرت علی علیه السلام قرار گرفت. او به حکومت مدائن منصوب شد، ولی هرگز از حقوق بیت المال برای خود چیزی برنداشت و همه آن را صدقه می داد و برای امرار معاش زنبیل می بافت. رهبر انقلاب در تعبیری راجع به سلمان اینگونه فرمودند

.

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

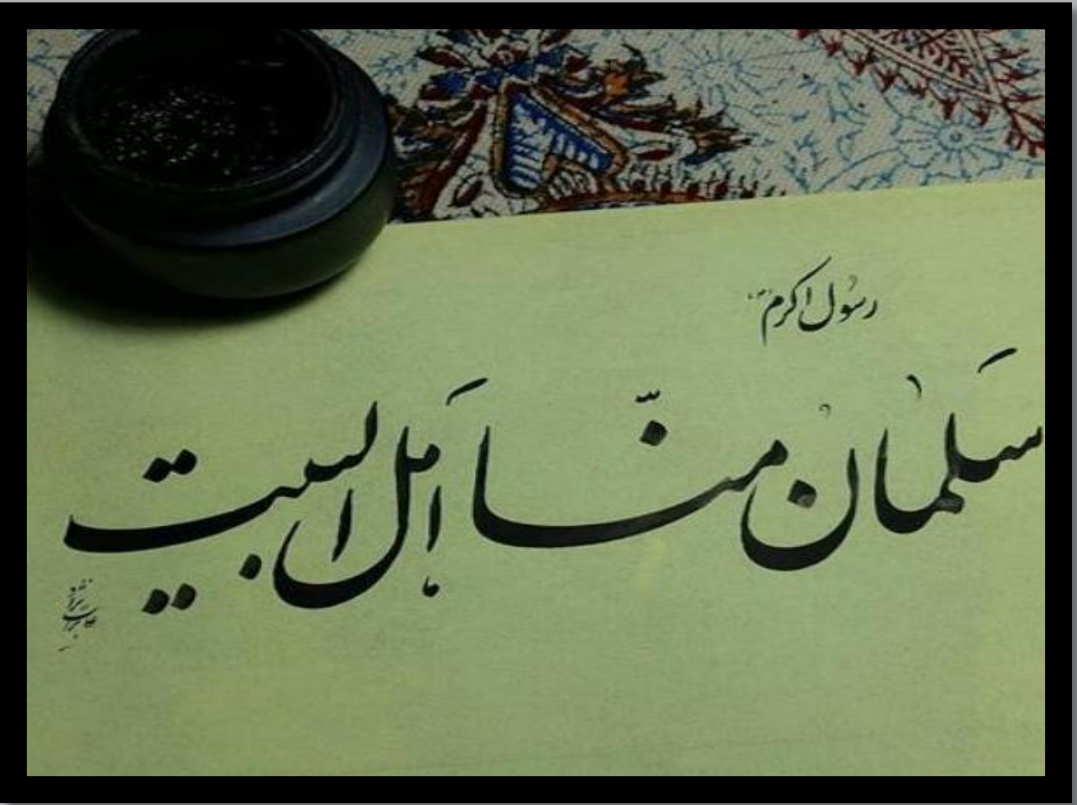
سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان فارسی

سلمان گونه

که سلمان فارسی از فارس نیست بلکه فارس و ایران از سلمان فارسی است،به نظر بنده علت این جمله رهبر عزیزمان ، همان گام بزرگ جناب سلمان،چون سلمان بعد رحلت پیامبرمان آمدن وایران را به مذهب تشیع دعوت کردن وحب علوی الآن مان را مدیون تلاشهای این مرد بزرگ هستیم در روستای جی از روستاهای اصفهان دنیا آمد و اسمشو روزبه گذاشتن.پدر سلمان روحانی زرتشتی بودوبعد اینکه مادرشان را ازدست دادن وتنها عمه سرپرست او شد از آنجایی که سلمان از دین خاندانش روی برگردانده بود. روی خوشی نمی دید وتصمیم گرفتند ک او را به زندان بیاندازند ودر آنجا شکنجه اش بدهند تا شاید از انتخابش پشیمان شود



سلمان با این‌که در بین خانواده ای زرتشتی متولد شده بود اما فطرت خدایی خودش را گم نکرد، ویکتاپرست شد. او توفیق پیدا کرد که در محضر پیامبر(ص) مسلمان شود.پیامبر(ص) که شاهد پاکی وروح بزرگ ایشان بودند،او را سلمان نامیدند.

سلمان، پس از پذیرفتن اسلام، آنقدر در راه ایمان و معرفت پیش رفت که مورد ستایش رسول خداومعصومان(ع) قرار گرفت .سلمان ازنظر علمی در سطح بالایی بود ،به قول پیامبرمان (ص) دریای علم بود، که علت آن، برکت همنشینی با پیامبر مهربانی ها ست همانند حضرت علی واهل بیت(ع) ایشون. سلمان می‌توانست حوادث آینده را پیش بینی کند و یک جورهایی از آینده خبر داشت که این نشانه ی ایمان عمیق او بود.سرانجام سلمان بعد از عمری طولانی و پربرکت وفات یافت و این افتخار نصیب پیکر پاکش شد که توسط حضرت علی علیه‌السلام غسل و کفن شود.علاوه بر امام علی علیه‌السلام حضرت خضر و جعفرین ابی‌طالب (ع)و هفتاد صف از فرشتگان بر وی نماز خواندند.

راضیه اسکندری

باش!

هرچه ریشه عمیق تر

بدنه قوگا تر

هشت سال دفاع مقدس از منظر مقام معظم رهبری آقا از افتخاری می‌گویند که برگهای زرین تاریخ ایران اسلامی را رقم زده است ؛ تاریخی که رهبری میدان جنگ را زمینه بروز و رشد استعدادهای آن می‌دانند ایشان می فرمایند: دفاع مقدس در مقایسه با جنگ هایی که در دنیا جنبه ملی و میهنی دارد هنوز قدرشناسی لازم و شایسته‌ای از آن صورت نگرفته است. (واقعیت جنگ تحمیلی تنها به حمله یک کشور علیه کشوری دیگر خلاصه نمی شد ،بلکه مسئله اصلی تحمیل یک جنگ بین المللی علیه ملت ایران بود که از یک آرمان و حقیقت مقدس دفاع می کرد و دلیل آن هم در این است که عارف ترین ، الهی ترین ، معنوی ترین و محبوب ترین فرد در کشور ما یعنی امام راحل و عظیم الشان فرمانده این جنگ بود.)دفاع مقدس یک جنگ بین المللی تمام عیار بود؛ هشت سال با ملتی جنگیدن آن هم در آن ابعاد و با آن وسعت! یعنی در حقیقت یک جنگ بین المللی علیه یک کشور واقعاً اینطور بود، حتی نیرو هم آوردند، از مصر و کشورهای مختلف عربی نیرو نیاوردند؟! از روسیه، و استراتژیست ها را به آنجا نبردند و کار برایشان نکردند؟! آقا بیان می‌کنند به اعتقاد من از سرداران بزرگ غربی هم استفاده کردند (قضیه فاو شاهد این مدعا است)، از همه کشورهای ذی نفع و ذی دخل به نحوی در این جنگ دخالت‌هایی صورت گرفت بعضی با نیرو ، بعضی با فکر، بعضی با ماهواره ، بعضی با سلاح ، بعضی هم با پول و تبلیغات. بعضی از شرکای صدام در جنگ علیه ما:

۱-شوروی بزرگترین تامین کننده نیازهای تسحیلاتی عراق بود.

۲-آمریکا بزرگترین متحدعراق بر علیه ایران بود

۳-آلمان بزرگترین کارخانه ساخت سلاح شیمیایی را در عراق ساخت.

۴-فرانسه علاوه برصدهاهاوپیمای، موشک و... یک بمب اتمی به عراق برای حمله به ایران هدیه نمود.

۵-ایتالیا چند میلیون مین ضد نفر به عراق فرستاد.

۶-سوئیس کاربرد پروژه اورانیوم را در عراق آغاز کرد.

۷-بلژیک قرارداد ساخت پایگاه نظامی در عراق به قیمت ۸۳۰ میلیون دلار منعقد کرد.

۸-برزیل قراردادی ۱۰ ساله با عراق برای همکاری هسته ای امضا کرد.

۹- اسپانیا ،سوئد، ژاپن و آرژانتین کمک‌های نظامی متنوعی را به عراق اعطا کردند.

اینها شریک جرم صدام در ارتکاب جنایات جنگی علیه ملت ایران محسوب می شوند یک طرف عراق بود با حمایت آمریکا و شوروی و ناتو و ورشو که همان پیمان اروپای شرقی و کشورهای بلوک کمونیست بود، و همچنین دولت‌های عربی منطقه، یک طرف هم جمهوری اسلامی ایران. این یک جنگ بین المللی علیه ما بود ما واقعاً هشت سال مقاومت کردیم به طوری که دشمن یک قدم نتوانست جلو بیاید؛ مگر این شوخی است!!! تصورات پوچی که با یک جنگ نظامی می توان انقلاب اسلامی را نابود کرد بعد از آن تبدیل به واقعیتی شد که دیگر رویارویی با ایران سخت و دشوار است. تاریخ جنگ سرشار از خاطرهٔ ایثار و رشادت دلیل مردان بی ادعا است ، تاریخ جنگ پر از درس‌های ایثار و رشادتِ مردان بزرگی است که از شهادت پلی ساختند و جز خدا به چیز

دیگری نمی اندیشیدند.دفاع مقدس جهاد بزرگ دینی و ملی ملت ایران بود، ملت ایران روح اعتماد به نفس ملی ، توانایی شکوفاسازیاستعدادها، شناخت ظرفیت ها به وسیله هشت سال دفاع مقدس را توانسته در خود تقویت کند. اگر امروز ما می‌بینیم ملت و جوانان ما با ظرفیت عظیم استعداد خود در میدان‌های دانش و فناوری حضور دارند ، بخش عمده‌ای ازاین مرهون دفاع مقدس است. و از آن وعده هایی که سه روز دیگر ، یک هفته دیگر ، یک ماه دیگر تهران را فتح خواهیم کرد حال چهل سال می‌گذرد و ملت ایران روز به روز قوی‌تر و مقتدرتر شده است و این درخت روزبهروز تناورتر و ریشه دارتر شده است و اکنون بعد از سال‌ها که از پایان این جنگ می‌گذرد نه تنها ریشه این ملت خشکیده بلکه میوه‌های شیرین آن کامل، ملت‌های ستمدیده را نیز شیرین کرده است.حال رهبرمان شرط خسارت نخوردن از دشمن را (اسلام و جوانان) میدانند (دو نکته‌ای که سرمایه ارزشمند این انقلاب بوده و هست یکی این است که هدف این انقلاب اسلام است دوم آنکه سربازان این انقلاب مستضعفان و جوانان هستند) ؛همانطور که جوانان، این جنگ طولانی را به نتیجه رساندند امروز هم جوانان در راه خدا و در راه اسلام هستند، امروز هم اگر خطری این انقلاب را تهدید کند اولین کسانی که به میدان خواهند آمد همین جوانان هستند .آقا من و تو جوان را به غفلت نکردن از مسئله دفاع مقدس گوشزد می‌کنند!!!، ایشان در رابطه با خطر تحریف جنگ می فرمایند: هرچه از زمان دفاع مقدس دورتر می‌شویم باید به معرفت آن آشنا تر شویم چرا که دشمنان تحریف کننده در کمین هستند. جوانان دفاع مقدس همچون من و شما بوده اند و اکثر آنهایی که در جنگ نقش های موثر ایفا کردند از قبیل ما دانشجویها بودند و از همه مهم‌تر آنها یک مشت جوان مومن بودند .خواهر و برادر مومن من حال من و شما چه میزان آماده نقش‌آفرینی هستیم؟!!

عاطفه عباسی قرائی

به بهانه ی بیستم مهرماه

شمس الدین محمد شیرازی شاعر و حافظ قرآن متخلص به حافظ ومعروف به لسان الغیب از بزرگترین شاعران غزلسرای ایران و جهان به شمار می رود. حافظ را نمی توان از سنخ شاعران تک بعدی و تک ساحتی محسوب و تفکر شاعرانه اش را تنها به یک وجه خالص بیان و تفسیر کرد.شعر حافظ دارای ابعاد گوناگون و متنوع، سرشار از راز و رمز و پرسش از حقیقت هستی است.



صبحدم از عرش می آمد خروشی، عشق گفت قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می کنندخواجه شمس الدین محمدبن محمد حافظ شیرازی، از بزرگترین شاعران نغزگوی ادبیات فارسی است. حافظ در اوایل قرن هشتم ه.ق-حدود سال 727 - در شیراز دیده به جهان گشود. پدرش بهاءالدین، بازرگان و مادرش اهل کازرون بود. پس از مرگ پدر، شمس الدین کوچک نزد

مادرش ماند و در سنین نوجوانی به شغل ناوایی پرداخت. در همین دوران به کسب علم و دانش علاقه مند شد و به درس و مدرسه پرداخت. بعد از تحصیل علوم، زندگی او تغییر کرد و در جرگه طالبان علم درآمد و مجالس درس علمای بزرگ شیراز را درس کرد. او به تحقیق و مطالعه کتابهای بزرگان آن روزگار- از قبیل کشف زمخشری، مطالع النظار قاضی بیضاوی و مفتاح العلوم سکاکی و امثال آنها- پرداخت. همچنین در مجالس درس قوام الدین ابوالبقاء عبدهللا بن محمود بن حسن اصفهانی شیرازی نیز حضور داشت.حافظ- همچنانکه از تخلص او برمی آید- قرآن را ازحفظ داشت و به چهارده شکل(قراآت هفتگانه) می خواند. حافظ دارای زن و فرزندان بود. در غزلیاتش به مرگ یکی از فرزندان اشاره کرده است:

دال دیدی که آن فرزانه فرزند

چه دید اندر خم این طاق رنگین؟

به جای لوح سیمین در کنارش

فلک بر سر نهادش لوح سیمین

حافظ به سفر علاقه ای نداشت و چون دلبستگی خاصی به شیراز داشت تقریباً تا آخر عمر از شیراز خارج نشد و تنها یکبار به شهر یزد سفر کرد ولی به خاطر ملالت از یزد و یزدیان به شیراز بازگشت:

دلم از وحشت سکندر بگرفت

رخت بربندم و تا ملک سلیمان بروم

همچنین به دعوت سلطان محمود دکنی راهی دکن شد ولی در جزیره هرمز گرفتار طوفان گردید و به همین دلیل سفر خود را آغاز نکرده به پایان برد و به شیراز بازگشت.این نکته را نباید فراموش کرد که عهد حافظ با آخرین مراحل تحول زبانفارسی و فرهنگ اسالمی ایران مصادف بود. از این روی زبان و اندیشه او در مقایسه با استادان پیش از وی به ما نزدیک تر است و به این سبب است که ما حافظ را بیشتر از شاعران خراسان و عراق درك می کنیم و سخن او را بیشتر می پذیریم. برخالف اطلاعات حافظ از دقایق عرفانی و اشارات مکرر او به نکات عرفانی،

حافظ پیروطریقتی خاص نبوده است بلکه به عقیده بسیاری، خود او به تنها مراحل سلوک و کمال را طی کرده و به درجاتی نیز رسیده است.از نکات قابل توجه درباره دیوان حافظ، رواج، فال گرفتن *تفال* از آن است که سنتی تازه نیست و از دیرباز درمیان آشنایان شعر او متداول بوده است و چون در هر غزلی از دیوان حافظ می توان- به هر تأویل و توجیه- بیتی را حسب حال فال گیرنده یافت، او را "لسان الغیب" لقب داده اند. حافظ با توان شاعری بسیار داستانهای قرآنی را با اشارههای ظریف در شعرش بیان میکند اما به واقع او ناظم شعر نیست که به بیان روایی داستان بپردازد بلکه شاعری تواناست که با شناخت عمیق بسیاری از مسایل قرآنی و اجتماعی را در قالب شعر ارائه میدهد.زمانی که با شاعری چون حافظ رو به رو هستیم در واقع با جهانی سرشار از ظرافت و معنا رو به رویم. گسترگی معنایی در شعر او به حدی است که هر کس از دیدگاه خویش مفاهیم ذهنی متناسب با تفکر خود را در شعرش پیدا می کند و نظری خاص درباره او ارائه می دهد. حافظ ،شاعری است که در قرن حاکمیت زهد و ریا و خفقان، شعری فراگیر و رندانه دارد و از همه مسائل جهان هستی با بیانی ظریف و رندانه سخن میگوید و همواره از تظاهر و تزویر دوری می جوید و شعر برایش جنبه ای متعالی و آرمانی دارد حافظ چنان اثر عمیقی بر قلب های انسان ها و ادبیات ملل باقی گذاشته است که نه تنها در کشور ما بلکه در تمامی جهان محبوب و زبان زد مییاشد و همه ساله روز حافظ در اکثر کشورهای اهل عرفان و سلوک برگزار میشود تا هیچگاه این اثر کمرنگ نشده و پیشینه ی فرهنگ مان خدشه دار نشود.این شاعر پراوازه ی ایران زمین در سال 791 یا 792 هجری قمری دار فانی را وداع گفت . روحش شاد و یادش گرامی ...

سحر پور مردان

معرفی کتاب

کتاب باغ انگور باغ سیب باغ آینه ، جلد چهارم مجموعه بانوی ماه به گفتگوی مرتضی سرهنگی

واحد گودرزیانی با صفیه مدرس، همسر سردار شهید مهدی باکری ومختصری از زندگی‌نامه‌ی وی اختصاص دارد.این کتاب با عنوانی شاعرانه ما را به تماشای قامت بلند سرداری از سرداران دفاع مقدس، شهید مهدی باکری می‌برد. او ابتدا از روزهای نخست جنگ در ارومیه می‌گوید؛ خانواده‌ی مدرس در باغ انگورشان در اطراف شهر هستند که خبر جنگ می‌رسد و بعد که برمی‌گردند، موضوع خواستگاری مهدی باکری پیش می‌آید. در اولین دیدار، هیچ کدام همدیگر را نمی‌بینند! چرا که تمام مدت با هم سر به زیر صحبت کرده بودند. اما همان دیدار، کافی بوده تا بدانند که باید همسفر هم باشند.در بخشی از کتاب باغ انگور باغ سیب باغ آینه می‌خوانیم:چهارده پانزده روز بعد از آغاز جنگ، مسئله خواستگاری پیش آمد. شهید باکری توسط یکی از دوستان معرفی شد. فهمیدم شخص شناخته شده‌ای در شهر است، بنابراین درباره‌اش تحقیقاتی نکردیم. پیش از این من خیلی خواستگار داشتم، منتهی هر بار استخاره می‌کردم آیه می‌آمد که اگر صبر کنید زوج مطهری برای شما خواهد آمد.شخصاً شناختی درباره آقا مهدی داشتم. فقط یک بار که فعالیتی در جهاد داشتم و به کارخانه قندی رفتیم که پدر آقا مهدی کارمند آن‌جا بود. خواهر ایشان هم با ما بود. خلاصه، شناخته شده بودند. یکی از خیابان‌های ارومیه هم به نام شهید علی باکری است. برادر آقا مهدی که سال 1352، رژیم شاه او را شهید کرده بود.آقا مهدی، در زمان خواستگاری در شهرداری کار می‌کرد. محل شهرداری هم در میدان انقلاب ارومیه بود. آقای نادری، دوست شهید باکری، در شهربانی کار می‌کرد و در همین خیابان انقلاب، یک بار به ایشان می‌گوید: «چرا ازدواج نمی‌کنی؟» وقتی آقای مهدی شرایطش را می‌گوید، آقای نادری با خانمش صحبت می‌کند و بعد ما را به آقای مهدی معرفی می‌کنند....

مهدیه نخعی